

کد کنترل

118

E

بانک مقالات ایران

مرکز دانش و مقالات

علمی و پژوهشی و

سئوالات آزمونها

www.edub.ir



«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.»
امام خمینی (ره)

دفترچه شماره (۱)

صبح جمعه

۹۸/۱۲/۹

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه متمرکز) – سال ۱۳۹۹

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی – کد (۲۱۳۰)

مدت پاسخ گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی – فقه – اصول	۹۰	۱	۹۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می شود.

۱۳۹۹

www.edub.ir

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه را تأیید می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عَيْنِ الْأَصْحَ وَ الْأَقْو فِي الْجَوَاب لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۱۰)

۱- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمَفْهُوم:

- (۱) ﴿ هَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَاءَ فَيُشْفِعُوا لَنَا ﴾: آیا برای ما شفیعیانی هستند تا ما را شفاعت کنند!
 - (۲) ﴿ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ﴾: در آن از حد و اندازه مگذرید که غضب من بر شما فرود آید!
 - (۳) ﴿ لَوْلَا أُخْرَتِي ... فَأَصْدَقَ وَ أَكْنَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴾: چرا آجل مرا به تأخیر نینداختی ... تا صدقه دهم و از صالحان باشم!
 - (۴) ﴿ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴾: خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند و صبر پیشه نمودند، مشخص نکرده است!
- ۲- « وَيحَكَ! إِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ، وَ سَبَبًا لَا يَتَجَاوَزُهُ، فَلَا تَعْدُ نَمَثَلُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ! ». عَيْنِ الصَّحِيح: وای بر تو!

- (۱) هر اجلی را زمانی است که از آن پیش نمی‌افتد، و سببی است که از آن در نمی‌گذرد، پس به چنین سخنانی باز نگردد، که آن فقط شیطان بود که بر زبانت دمید!
- (۲) هر سر رسیدی را اجلی است معین که از آن نمی‌گذرد، و سببی دارد که از آن تجاوز نمی‌کند، پس چنین کلماتی دیگر باز نگردد، چه آن دمیدن شیطان می‌باشد بر زبان تو!
- (۳) هر مهلتی را زمانی است معین که از آن نمی‌گذرد، و علتی است که از آن عبور نمی‌کند، پس دیگر این چنین سخن مگو، که این شیطان بود که چنین حرفی را بر زبانت جاری ساخت!
- (۴) هر زمانی را مهلتی است که از آن تجاوز نمی‌کند، و علتی است که از آن در نمی‌گذرد، پس بار دیگر به مثل این کلمات باز نگردد، زیرا تنها شیطان است که بر زبانت دمیده است!

۳- « أَنَا لَا أَحِبُّ أَنْ أَخْذَعَ نَفْسِي عَنْ نَفْسِي، كَمَا لَا أَحِبُّ أَنْ أَخْذَعَ النَّاسَ عَنْهَا! ». عَيْنِ الصَّحِيح فِي الْمَفْهُوم:

- (۱) من دوست ندارم درباره نفس خویش خودم را فریب دهم، همچنانکه دوست ندارم مردم را گمراه کنم!
- (۲) من دوست ندارم خودم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران را درباره خود گمراه کنم!
- (۳) من تمایلی ندارم از خودم به خودم نیرنگ بزنم، همانطور که دوست ندارم دیگران را فریب دهم!
- (۴) من میل ندارم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران درباره آن دروغ بگویند!

۴- «و من لا یغضض عینه عن صدیقہ و عن بعض ما فیہ، یئت و هو عاتب!»:

- (۱) هر آنکس که از دوست خود و از برخی عیوبی که در اوست چشم‌پوشی نکند، در حال سرزنش کردن می‌میرد!
- (۲) هر کس چشمان خود را بر عیب‌هایی که در بعضی دوستان وی است نبندد، در حال عتاب از دنیا می‌رود!
- (۳) آنکه بخاطر دوست خویش از بعضی عیوبی که در اوست اغماض نکند، در حالی می‌میرد که سرزنش‌کننده است!
- (۴) هر که چشم خویش را از عیب‌هایی که در دوست خود می‌بیند اغماض نکند، درحالی از دنیا می‌رود که عتاب‌کننده است.

۵- «و لو رأتی فی نار مسعرة ثم استطاعت، لزدت فوقها خطبا!»:

- (۱) اگرچه مرا در حال سوختن در آتش ببیند، توانایی دارد هیزم آن را اضافه کند!
- (۲) هرگاه مرا افروخته در آتشی ببیند، سپس اگر بتواند هیزم بر آن می‌گذارد!
- (۳) چنانچه مرا در آتش سوزان ببیند، می‌تواند هیزم آن را افزون سازد!
- (۴) اگر مرا در آتشی افروخته ببیند و بتواند، هیزم بر آن می‌افزاید!

۶- «و وضع الندی فی موضع السیف بالعلی مضر، کوضع السیف فی موضع الندی!». عین غیرالمناسب لمفهوم البيت:

- | | |
|--|-----------------------------------|
| (۱) گرچه احسان نکوست از کم و بیش | ظلم باشد به غیر موضع خویش! |
| (۲) نیکویی ار در محل خود نبود | ظلم خوانندش ار چه بد نبود! |
| (۳) نیکویی کنی بجای تو نیکویی کنند باز | ور بد کنی بجای تو از بد بتر کنند! |
| (۴) نکوئی با بدان کردن چنان است | که بد کردن بجای نیک مردان! |

۷- «من یزرع الشوک لا یحصد به العنبا!». عین الأكثر مناسبة (معنی و لفظاً):

- (۱) از نی بویا شکر نخوری!
- (۲) بدی را بد بود آخر مکافات!
- (۳) ز زمین شوره سنبل برنیاید!
- (۴) خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم!

۸- «چگونه می‌توان با چیزی که در وجودش نیازمند تو است، بر تو استدلال کرد!»:

- (۱) کیف الاستدلال بوجودك بما مفتر إلى وجودك!
- (۲) كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفتر إليك!
- (۳) كيف يمكن الاستدلال عنك بواسطة التي محتاج إليك!
- (۴) كيف نستطيع أن نستدل بوجودك بمن هو محتاج إلى وجودك!

۹- «مسألة اسلام در بینش معتقدانش، از رهبری گرفته تا رهروی، مسألة دعوتی است زنده و پویا در همه سطوح!»:

(۱) في معتقد المؤمنين بالإسلام، إنه مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح القاعدة حتى القيادة و على جميع الأصعدة!

(۲) في وعي المؤمنين بالإسلام، إنه مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح الزعيم حتى القاعدة و على جميع السطوح!

(۳) إن مسألة الإسلام في معتقد المعتقدين به و على سطح الزعامة حتى التبعية، إنها مسألة دعوة نشطة و حية على جميع السطوح!

(۴) إن مسألة الإسلام في وعي المؤمنين به على مستوى القيادة حتى القاعدة، هي مسألة دعوة نشطة و متحركة في كل صعيد!

۱۰- «نفوذ و توسعه دانش و فرهنگ اسلامی در اروپا، یکی از عوامل اصلی ظهور رنسانس در قرن ۱۵ بوده است»:

(۱) كان نفوذ و انتشار العلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا أحد العوامل الرئيسية لحدوث النهضة العلمية في القرن الخامس عشر!

(۲) إن نفوذ و توسيع العلم و الثقافة الإسلامية في بلاد أوروبا كان من العوامل الأصلية لبروز النهضة الثقافية في قرن الخامس عشر!

(۳) كان لنفوذ و توسعه العلوم و الثقافات الإسلامية في أوروبا العامل الرئيسي لإيجاد الانبعاث الثقافي في القرن الخامس عشر!

(۴) إن النفوذ و النشر للعلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا هو العامل الأصلي في حصول الانبعاث الثقافي في قرن الخامس عشر!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (۱۱-۱۳)

۱۱- «كم الساعة الآن و كم دقيقة انتظرتني؟ الساعة الآن الثانية إلا خمس دقائق!». عین الخطأ:

(۱) الساعة . الآن . انتظرت . خمس . دقائق

(۲) كم . الساعة . دقيقة . انتظرت . الثانية

(۳) كم . دقيقة . انتظرت . الساعة . خمس

(۴) دقيقة . الآن . انتظرت . الثانية . خمس

۱۲- عین الصحيح:

- (۱) إخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ،
- (۲) وَ آسِ يَبْنِهِمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي خَيْفِكَ لَهُمْ،
- (۳) وَ لَا يَتَأَسَّى الضُّعَفَاءُ مِنْ عَذَابِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَائِلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادَةٍ،
- (۴) عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ، وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمُسْتَوْرَةِ، فَإِنْ يُعَذَّبُ فَأَنْتُمْ أَظْلَمُ!

۱۳- عین الخطأ:

- (۱) يُقَالُ إِنَّ الْمُرَادَ بِهَذِهِ الْآيَةِ تَضْمِينُ الْإِسْتِعَانَةِ،
- (۲) وَ مَنْ تَرَكَ هَذِهِ الْآيَةَ فِي صَلَاتِهِ بَطَلَتْ الصَّلَاةُ،
- (۳) سِوَاةً كَانَتْ قَرَضًا أَوْ تَقْلًا، كَمَا يَجِبُ الْجَهْزُ بِهَا وَ لَا يَجُوزُ الْخَفْتُ،
- (۴) إِلَّا أَنْ جَمِيعَ هَذِهِ الْمَسَائِلِ خِلَافٌ فِيهَا بَيْنَ الْفُقَهَاءِ!

■ ■ عین الصحيح عن الإعراب و التحليل الصرفي (۱۴-۱۸)

۱۴- ﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ، إِنْ كَفَرْتُمْ، يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾. عین الصحيح:

- (۱) يَوْمًا: مفعول به لفعل «تَتَّقُونَ» و منعت لجملة «يجعل...» و الرابط محذوف، تقديره «يجعل فيه...»
- (۲) الولدان: اسم مثنى مذکر، و فاعل لفعل «يجعل» و مرفوع بالالف، و «شيبًا» مفعول به و منصوب
- (۳) شيبًا: جمع «أشيب» و صفة مشبهة و لا مؤنث له على وزن فعلاء، و نعت و منصوب بالتبعية
- (۴) تَتَّقُونَ: فعل مضارع من باب تَعَلَّلَ، لفيف مرفوع و له إبدال الواو إلى التاء ثم إدغام التاءين

۱۵- «إِذَا أَنْتَ رُمِيتَ بِعِدَاوَةِ فَلَا تَيَاسَنَّ!». عین الصحيح:

- (۱) تَيَاسَنَّ: فعل مضارع مجرد ثلاثي، و مبني على الفتح لوجود نون التوكيد الثقيلة و مجزوم محلاً بحرف «لا» الناهية و فاعله ضمير النون البارز
- (۲) أَنْتَ: ضمير منفصل مرفوع و نائب الفاعل و في محل رفع، و هو مبني من ضمير التاء المتصل، و الجملة فعلية و في محل جرّ، مضاف إليه
- (۳) رُمِيتَ: فعل ماضٍ مبني للمجهول أو مبني للمفعول، و نائب فاعله ضمير التاء البارز، و الجملة فعلية و خبر و في محل رفع
- (۴) إِذَا: اسم غير متصرف من أدوات الشرط الجازمة، و ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان، متعلقه فعل «رُمِيتَ»

١٦- « لو أَنَّهُمْ كَانُوا يُلَاقُونَ مِثْلَ مَا ثَلَاقِي، لَكَانُوا فِي الْمَضَاجِعِ مِثْلَنَا! ». عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- ١) يُلَاقُونَ، نَلَاقِي: مضارع من باب مفاعلة، معتل و لقيف مفروق، إعلاله بالحذف
- ٢) كَانُوا: اسمه ضمير الواو؛ خبره (الاولي): يَلَاقُونَ؛ (الثانية): في المضاجع
- ٣) المضاجع: منتهى الجموع و ممنوع من الصرف، و منعوت للنعت «مِثْلَنَا»
- ٤) مِثْل: الاولی: مفعول به و منصوب؛ الثانية: خبر «كان» المفرد و منصوب

١٧- « أَعَزَّزْ بِنَا وَ أَكْفِ، إِنْ دُعِينَا يَوْمًا إِلَى نَصْرَةٍ مِنْ يَلِينَا! ». عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- ١) أَكْفِ: فعل جامد لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مبني على حذف حرف العلة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوبًا تقديره «أنت»
- ٢) أَعَزَّزْ: فعل جامد لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مضاعف و ممتنع الإدغام، فاعله ضمير «نا» المجرور في اللفظ بالباء الزائدة، و الجملة فعلية
- ٣) يَلِي: فعل مرفوع بضمة مقدرة و فاعله الضمير المستتر فيه جوازًا تقديره «هو» و الجملة فعلية و صلة للموصول «من» و عائدها الضمير المستتر
- ٤) دُعِينَا: فعل ماضٍ مجرد ثلاثي و مبني للمجهول أو للمفعول، معتل و ناقص و إعلاله بالقلب، نائب فاعله ضمير «نا» البارز، و الجملة فعلية و شرطية

١٨- « وَ لَمْ أَرْ كَالْمَعْرُوفِ، أَمَّا مَذَاقُهُ فَحَلْوٌ، وَ أَمَّا وَجْهُهُ فَجَمِيلٌ! ». عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- ١) أَمَّا: حرف شرط و تفصيل، مَذَاقُ: مصدر ميمي و مبتدأ و مرفوع و خبره المفرد «حلو» و اقترانه بالفاء واجب
- ٢) كَالْمَعْرُوفِ: الكاف اسم بمعنى «مثل» مفعول به و منصوب محلاً لفعل «أر»، المعروف: اسم مفعول و مضاف إليه و مجرور
- ٣) أَرَّ: مضارع من مزيد ثلاثي (باب إفعال)، معتل و ناقص، و له إعلال حذف الهمزة وجوبًا، مجزوم بحذف حرف العلة
- ٤) لَمْ أَرَّ: «لم» حرف نفي و نقل، «أر»: للمتكلم وحده من فعل مجرد ثلاثي، فاعله الضمير المستتر فيه وجوبًا تقديره «أنا» و الجملة فعلية

■ ■ عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٩-٣٠)

١٩- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: إِنَّ الْمَصْدَرَ «إِتْمَارٌ» مَأْخُذٌ مِنْ مَادَّةِ

- | | |
|---------------------|------------------------|
| ١) « يمر » و لا غير | ٢) « يمر » أو « متر » |
| ٣) « أمر » و لا غير | ٤) « أمر » أو « و مر » |

۲۰- « غداة - أرزاء - غذاء - مبراة ». عین الصحيح في الأوزان:

- (۱) فُعْلَةٌ . فُعْلَاءٌ . فُعْلَاءٌ . مِفْعَلَةٌ
(۲) فُعْلَةٌ . أفعال . فُعَالٌ . مِفْعَلَةٌ
(۳) فُعَالٌ . فُعْلَاءٌ . فُعْلَاءٌ . مِفْعَالٌ
(۴) فُعَالٌ . أفعال . فُعْلَاءٌ . مِفْعَالٌ

۲۱- عین ما کله ممنوع من الصرف:

- (۱) طُوسٌ . حضر موت . أرمل
(۲) بلخ . لیال . حمزة
(۳) شوش . ثلاث . تلفزيون
(۴) هند . جوعی . مئذرة

۲۲- عین الصحيح في التصغير:

- (۱) ميعاد ← ميبعد / شاعر ← شويعر
(۲) موقظ ← موبقظ / موعِد ← موعيد
(۳) أرض ← أريضة / أحلى ← أحيلي
(۴) شمس ← شميسة / مريم ← مريم

۲۳- ﴿لولا أن من الله علينا﴾. عین الصحيح في نوع « أن »:

- (۱) موصول حرفي
(۲) زائدة للتأكيد
(۳) مخففة من الثقيلة
(۴) مفسرة لما قبلها

۲۴- عین « کم » لا يمكن أن تكون استفهامية:

- (۱) کم إجابة أجبت حتى الآن!
(۲) کم ساع بينكم في الصف!
(۳) کم بشرى أشرتهم بها!
(۴) کم طالعت من كتب مفيدة!

۲۵- عین الخطأ في جواب الشرط:

- (۱) إن قُمت بهذا المسعى المحمود فوالله تلج الأئنة بذكرك!
(۲) إن تُخلص لله العمل والله يُضاعف لك الأجر أضعافاً!
(۳) الكتاب والله إن تطالعهُ فهو خير جليس!
(۴) والله إن إنقيتم ليجعلن الله لكم مخرجاً!

۲۶- عین الخطأ (في باب العدد):

- (۱) متى تُعيد لي ألف التومان الذي أسلفته إياك من قبل؟
(۲) متى تُعيد لي الاثني عشر كتاباً الذي أعرتها إياك؟
(۳) إني لم أطلع حتى الآن الإحدى والعشرين مقالة التي استعرتها من المكتبة!
(۴) إني لم أطلع الكتب الثلاثة والخمس مقالات التي استعرتها من المكتبة حتى الآن!

۲۷- عین الواو لا تكون إلا معية:

- (۱) كل طالب و جهده متلازمان في العمل!
(۲) إن الله يرزقنا و إياكم لو كنّا كادحين!
(۳) نجحت و اثنتین من زميلاتي في الامتحان!
(۴) بعد غياب الشمس طلع النجم و القمر في السماء!

۲۸- عین الخطأ (في باب الاختصاص):

- (۱) عليكم معشر الطلبة نعتمد!
(۲) علي أيها البطل يعول في القتال!
(۳) عليهم الأبطال تعتمد الأمة!
(۴) بنا رجال الغد تتعلق آمال الأمة!

۲۹- عین الخطأ (في باب التنازع):

- (۱) اجتهدت و أكرمتكما الطالبان!
(۲) قامت و قعدن المؤمنات في الصلاة!
(۳) أئدناهم و أئدنا المواطنين!
(۴) جاهدوا و انتصر المسلمون في طريق الحق!

۳۰- عین الخطأ للفراغ: « سيفوز طلبة الصف بجوائز و لا سيما ... منهم! »

- (۱) المجد (۲) المجد (۳) المجنون (۴) المجدين

۳۱- استنباه در حفظ، در دو عقد ودیعه و وکالت چگونه است؟

- (۱) در ودیعه بالعرض و در وکالت بالذات است.
(۲) در ودیعه بالذات و در وکالت بالعرض است.
(۳) در هر دو بالذات است.
(۴) در هر دو بالعرض است.

۳۲- حکم اشتراط مدت در عقد مضاربه کدام است؟

- (۱) فسخ عقد مضاربه در طول مدت جایز است ولی تصرف بعد از مدت بدون اذن مالک صحیح نیست.
(۲) عقد مضاربه غیرقابل فسخ می شود و تصرف بعد از مدت هم نیز بدون اذن مالک صحیح نیست.
(۳) عقد مضاربه غیرقابل فسخ می شود و تصرفات بعد از مدت هم نیاز به اذن مالک ندارد.
(۴) عقد مضاربه قابل فسخ است و تصرف بعد از مدت هم مانند قبل، صحیح است.

۳۳- بنابر دیدگاه شهیدین، در صورتی که در ضمن عقد نکاح شرط عدم نکاح مجدد شود، حکم عقد نکاح اول و شرط آن و ازدواج دوم به ترتیب کدام است؟

- (۱) باطل - باطل - باطل
(۲) صحیح - صحیح - باطل
(۳) صحیح - باطل - باطل
(۴) صحیح - باطل - باطل

۳۴- با توجه به عبارت زیر کدام گزینه درست است؟

«الخطبة بعد اجابة الغير منها او من وكيلها او وليها...»

- (۱) يجوز لاصالة البرائة
(۲) يصح لأن الخطبة لا تكون عقداً
(۳) تحرم لتهی النبی عنها فی الروایة المحمولة علی الحرمة
(۴) تکره لان النهی فی قول النبی محمول علی الکراهة جمعاً بین الاخبار
۳۵- در صورتی که زوج در عقد دائم قبل از دخول از دنیا برود، حکم عده زوجه کدام است؟

- (۱) باید نصف عده وفات یعنی دو ماه و پنج روز عده نگه دارد.
(۲) چون دخول صورت نگرفته، هیچ عده ای ندارد.
(۳) باید چهار ماه و ده روز عده وفات نگه دارد.
(۴) به میزان سه طهر باید عده نگه دارد.

۳۶- حکم عاریه دادن عین مستعاره توسط مستعیر به شخص ثالث، کدام است؟

- (۱) باتوجه به اذن اول معیر جایز است.
- (۲) تنها در صورت اذن مالک جایز است.
- (۳) باتوجه به این که عاریه اذن در انتفاع می باشد، جایز است مطلقاً.
- (۴) چون عین مستعاره در ید مستعیر امانت می باشد، جایز نیست مطلقاً.

۳۷- مقصود از «و تجوز علی کل عمل محلّ مقصود» در عقد جعانه کدام است؟

- (۱) عقد جعانه بر اعمال حلال و با اغراض عقلایی واقع می شود.
- (۲) عقد جعانه بر اعمال شرعی که مدتظر متعاقبین است، واقع می شود.
- (۳) عقد جعانه بر اعمال واجب شرعی و حلال و دارای منفعت معینه جایز است.
- (۴) عقد جعانه با رضایت طرفین حلال و جایز بوده و باید مقصود هر دو طرف باشد.

۳۸- متن زیر چگونه کامل می شود؟

«و لو ظهر فیها ای فی الاجرة عیب فللاجیر الفسخ او الارش ...»

- (۱) اذا ذکر الفسخ فی متن العقد
- (۲) مع التعین للاجرة فی متن العقد
- (۳) اذا ذکر الارش فی متن العقد
- (۴) مطلقاً سواء تعین الاجرة فی متن العقد أم لا

۳۹- مقصود از «مملوکه له بالاصالة» و «او بالتبعية» در عبارت «و لابد من کون المنفعة مملوکه له او لمولاه سواء کانت

مملوکه له بالاصالة او بالتبعية» به ترتیب کدام ملکیت است؟

- (۱) منفعت عینی که در تملک اوست - نماءات عینی که در اجاره اوست
- (۲) منفعت عینی که در تملک اوست - منفعت عینی که در اجاره اوست.
- (۳) منفعت عینی که در اجاره اوست - نماءات عینی که در اجاره اوست.
- (۴) منفعت عینی که در اجاره اوست - منفعت عینی که در تملک اوست.

۴۰- مدت حمل در وصیت برای جنین با فرض حضور زوج کدام است؟

- (۱) کمتر از ۶ ماه از زمان وصیت
- (۲) پس از ۹ ماه از زمان وصیت
- (۳) پس از ۱۰ ماه از زمان وصیت
- (۴) پس از یکسال از زمان وصیت

۴۱- حق شفعه شریک در صورتی که عقد بیع با تقایل یا به جهت خیار عیب فسخ شود، چگونه است؟

- (۱) در صورت تقایل ساقط نمی شود ولی در صورت فسخ به سبب خیار عیب، ساقط می شود.
- (۲) در صورت تقایل ساقط می شود و در صورت فسخ به سبب خیار عیب ساقط نمی شود.
- (۳) در هر دو صورت ساقط می شود.
- (۴) در هیچ کدام ساقط نمی شود.

۴۲- کدام گزینه در مورد تأثیر علم قاضی در صدور حکم درست است؟

- (۱) حکم قاضی مطلقاً در موارد حق الهی و حق الناسی درست است.
- (۲) حکم قاضی در موارد حق الناسی صحیح و در حق الهی نادرست است.
- (۳) حکم قاضی در موارد حق الهی صحیح و در حق الناسی نادرست است.
- (۴) حکم بر پایه علم قاضی برای امام معصوم صحیح و برای غیر معصوم مطلقاً نادرست است.

۴۳- در صورتی که زنی از دنیا برود و وراثت او، زوج، پدر و مادر و دو دختر باشند، سهم الارث دختران کدام است؟

- (۱) $\frac{5}{12}$
- (۲) $\frac{6}{12}$
- (۳) $\frac{7}{12}$
- (۴) $\frac{8}{12}$

- ۴۴- کدام گزینه در مورد «اجاره اعمال» درست است؟
 (۱) یکره آن یضمّن عوض ما تلف بیده بناءً علی ضمان الصانع
 (۲) لو جمع بین المدة و العمل فالأقرب الصحة و ان قصد التطبيق
 (۳) لو جعل اجرته علی تقديرین فالأقرب البطلان للتردید و عدم معلومية الاجرة
 (۴) لو كان المستأجر وصياً أو وكيلاً لم یجز له تسليم الاجرة قبل العمل و لو مع الاذن أو لشاهد الحال
- ۴۵- آیا دعاوی مبتنی بر ظن و گمان مسموع است؟
 (۱) مطلقاً مسموع است.
 (۲) مطلقاً مسموع نیست.
 (۳) در دعاوی کیفری مسموع و در سایر موارد مسموع نیست.
 (۴) در دعاوی کیفری مسموع نیست و در سایر موارد مسموع است.
- ۴۶- طبق دیدگاه شهیدین، «حکم بر غائب» در کدام مورد صحیح است؟
 (۱) فقط در صورتی که غیبت وی ناشی از عذر باشد. (۲) در دعاوی حق الناسی
 (۳) فقط در دعاوی حق الهی (۴) در عموم دعاوی
- ۴۷- کدام گزینه در مورد قابلیت نقل و انتقال حق قبول در وصیت تملیکی درست است؟
 (۱) مطلقاً غیرقابل انتقال است.
 (۲) مطلقاً به وارث منتقل می شود.
 (۳) در صورتی که موصی له در زمان حیات موصی بمیرد به وارث منتقل نمی شود.
 (۴) قابل انتقال به وارث است، مگر این که غرض موصی به شخص موصی له تعلق گرفته باشد.
- ۴۸- عبارت زیر تعریف کدام یک از اقسام شرکت است؟
 «بشترک شخصان فصاعداً لعقد لفظی علی أن یکون بینهما ما یکتسبان و یربحان و يلتزمان من غرم و یحصل لهما من غنم»
 (۱) وجوه (۲) مفاوضه (۳) عنان (۴) اعمال
- ۴۹- کدام مورد درباره عدم ذکر مهر در نکاح دائم، درست است؟
 (۱) عقد نکاح مطلقاً باطل است.
 (۲) عقد نکاح در صورتی صحیح است که در عدم ذکر مهر اهمال کرده باشند.
 (۳) چنانچه دخول واقع شود مهر المثل ثابت است و قبل از دخول، عقد باید تجدید شود.
 (۴) عقد نکاح صحیح است خواه در ذکر مهر اهمال کرده باشند و یا صریحاً نفی کرده باشند.
- ۵۰- کدام گزینه در مورد عقد مضاربه مطابق دیدگاه شهیدین درست است؟
 (۱) و لو فسخ المالك فليس للعامل شيء الا حصّة مما ظهر من الربح
 (۲) تجوز المضاربة بالدرهم و الدنانیر معینا لامشاعاً
 (۳) و لیشتتر نقداً بنقد البلد بثمان المثل فما فوجه
 (۴) و لیشتتر بعین المال، الا مع الاذن فی الذمة
- ۵۱- کدام گزینه در مورد «معامله صبی» درست است؟
 (۱) لا یصح بیع الصبی مع فی الاشياء الثمينة و یصح فی غيرها
 (۲) یصح بیع الصبی مع الاذن و لاتفید الاجازة بعده
 (۳) لا یصح بیع الصبی مطلقاً لأنه مسلوب العبارة
 (۴) یصح بیع الصبی مع اذن الولی أو اجازته

- ۵۲- طبق نظر شهید اول، حکم توبه زانی اگر زنا با بیته ثابت شده باشد، کدام است؟
 (۱) توبه قبل از قیام بیته، همه اقسام حد زنا را ساقط می کند و بعد از قیام بیته موجب اسقاط، نیست.
 (۲) توبه بعد از قیام بیته صرفاً موجب اسقاط حد رجم است و در فرض توبه قبل از قیام بیته، اختیار با حاکم است.
 (۳) توبه قبل از قیام بیته باعث اختیار حاکم در عفو یا اجرای حد است و توبه بعد از قیام بیته موجب اسقاط حد نخواهد بود.
 (۴) توبه قبل از قیام بیته موجب اسقاط حد رجم است اما حد جلد ساقط نیست و بعد از قیام بیته توبه اثری در اسقاط حد ندارد.
- ۵۳- در بیع سلم، اگر نسبت به بعض ثمن، شرط تأجیل شود، حکم چیست؟
 (۱) شرط باطل است اما بیع صحیح است.
 (۲) بیع نسبت به کل میبع، باطل است.
 (۳) بیع نسبت به مقدار مؤجل از ثمن، باطل است.
 (۴) شرط صحیح است و بیع نیز نسبت به کل میبع صحیح است.
- ۵۴- طبق نظر شهید ثانی، اگر مقر به عمل منافعی عفت، شخصی را نام برد که با او چنین عملی را انجام دادم، چه کیفری دارد؟
 (۱) به همان مرتبه اول اقرار حد زنا و قذف بر او جاری خواهد شد.
 (۲) اگر دو مرتبه چنین اقرار کند حد قذف بر او جاری است نه حد زنا.
 (۳) با اقرار مرتبه اول حد قذف بر او جاری می شود ولی حد زنا با کمتر از اقرار چهارگانه جاری نمی شود.
 (۴) اگر چهار مرتبه چنین اقرار کند هم مستحق حد زنا است و هم حد قذف بر او جاری می شود و به کمتر از چهار مرتبه اقرار، حدی بر او جاری نمی شود.
- ۵۵- طبق دیدگاه شهید ثانی آیا رضایت محال علیه در صحت عقد حواله شرط است؟
 (۱) هیچ گاه رضایت محال علیه شرط نیست.
 (۲) همیشه رضایت محال علیه در باب حواله شرط است.
 (۳) اگر محیل در طلبکاری آسان گیر تر از محتال باشد رضایت محال علیه شرط است و الا رضایت او شرط نیست.
 (۴) در فرضی که جنس مورد حواله با جنس حق محتال تفاوت داشته باشد و غرض استیفاء مثل حق او باشد، رضایت محال علیه شرط است.
- ۵۶- دیدگاه شهید ثانی، در خصوص «لو جهل المديون صاحب الدين و یس منه» کدام است؟
 (۱) التخییر بین الصدقة، و الدفع الى الحاكم، و ابقائه فی یدہ
 (۲) التخییر بین الصدقة و الدفع الى الحاكم فقط
 (۳) تعین دفعه الى الحاكم
 (۴) تعین التصدیق به عنه
- ۵۷- عبارت «لو اختلف المستأجر و الاجیر فی هلاک المتاع المستأجر علیه ...» با کدام گزینه کامل می شود؟
 (۱) حلف الاجیر، لانه منکر لما یدعیه المستأجر (۲) حلف المستأجر، لأصاله عدم الهلاک
 (۳) یتحالفان، لان کلاً منهما مدع و منکر (۴) حلف الاجیر، لانه امین
- ۵۸- حدوث العیب بعد انعقد لا يمنع الخيار اذا كان المبيع حیواناً و كان حدوث العیب
 (۱) فی الثلاثة من جهة المشتري و بعد الثلاثة من غير جهة المشتري
 (۲) فی الثلاثة من جهة المشتري أو غيره
 (۳) بعد الثلاثة من غير جهة المشتري
 (۴) فی الثلاثة من غير جهة المشتري

- ۵۹- به نظر شهید ثانی، قبض عین موقوفه مشاع چگونه محقق می شود؟
 (۱) با اذن واقف در منقول و غیرمنقول
 (۲) با اذن واقف و شریک در منقول و غیرمنقول
 (۳) با اذن واقف و شریک در منقول و اذن واقف در غیرمنقول
 (۴) با اذن شریک در منقول و اذن واقف و شریک در غیرمنقول
- ۶۰- توضیح عبارتی که زیر آن خط کشیده شده کدام است؟
 «کل ما یصح الانتفاع به مع بقاء عینه تصح إعارته و إجارته ینعکس فی الإجارة کلیاً دون الإعارة»
 (۱) كلما یصح الانتفاع به مع ذهاب منافعه تصح إجارته و اعارته
 (۲) كلما یصح الانتفاع به مع ذهاب عینه تصح إجارته و اعارته
 (۳) كلما لا یصح الانتفاع به الا بذهاب منافعه لا تصح إجارته
 (۴) كلما لا یصح الانتفاع به الا بذهاب عینه لا تصح إجارته
- ۶۱- حداقل دلالت فعل معصوم و ترک او به ترتیب کدام است؟
 (۱) اباحه - عدم وجوب
 (۲) وجوب - کراهت
 (۳) اباحه - کراهت
 (۴) استحباب - حرمت
- ۶۲- موضوع مباحث حجیت علم اصول فقه بنابر دیدگاه مظفر کدام است؟
 (۱) ادله اربعه مطلقاً
 (۲) ادله اربعه با وصف دللیت
 (۳) ادله اربعه بدون وصف دللیت
 (۴) اعم از ادله اربعه و هر چیزی که حجیت آن مورد ادعا واقع شود.
- ۶۳- دیدگاه مظفر در خصوص جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه در صورتی که مخصص لبی باشد، چیست؟
 (۱) جواز تمسک مطلقاً
 (۲) عدم جواز تمسک مطلقاً
 (۳) تفصیل میان مخصص عقلی ضروری و غیرضروری
 (۴) تفصیل میان مخصص کاشف از ملاک و مقید عنوان عام
- ۶۴- حکم ظاهری برای چه مکلفی جعل شده و دلیل دال بر آن چه نام دارد؟
 (۱) مکلف مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقهاتی گویند.
 (۲) مکلف فقیه که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقهاتی گویند.
 (۳) مکلف اعم از فقیه و مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقهاتی گویند.
 (۴) مکلف اعم از فقیه و مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل اجتهادی گویند.
- ۶۵- مقصود از واجب معلق چیست؟
 (۱) زمان واجب از زمان وجوب تأخر دارد.
 (۲) زمان واجب بر زمان وجوب تقدم دارد.
 (۳) زمان فعلیت واجب معلق بر زمان فعلیت وجوب است.
 (۴) زمان فعلیت وجوب معلق بر زمان فعلیت واجب است.
- ۶۶- تفسیر نهی به «طلب ترک» براساس چه نوع دلالتی است؟
 (۱) عقلی
 (۲) تضمنی
 (۳) التزامی
 (۴) مطابقی

۶۷- مقتضای قاعده اولیه در باب ظنون با استناد به آیات قرآن کریم است و تنها در صورت می توان از قاعده اولیه خارج شد.

(۱) عدم جواز عمل به ظن - وجود دلیل قطعی بر حجیت ظن ناشی از یک آماره

(۲) عدم جواز عمل بر ظن مطلقاً - وجود دلیل عقلی بر ثبوت ظن

(۳) جواز عمل بر ظن مطلق - با وجود دلیل عقلی

(۴) جواز عمل بر ظن نوعی - اثبات روایات

۶۸- کدام مورد مطابق با دیدگاه مظفر در باب حجیت اجماع منقول است؟

(۱) مطلقاً حجت است اعم از کاشفیت نزد ناقل و منقول الیه

(۲) مطلقاً حجت نیست اعم از کاشفیت نزد منقول الیه و ناقل چون ادله حجیت خبر واحد شامل آن نمی شود.

(۳) تنها در صورت کاشفیت نزد ناقل حجت است چون ادله حجیت خبر واحد فقط حجیت را برای او ثابت می کند.

(۴) تفصیل بین مواردی که نزد منقول الیه کاشف از حکم باشد و در این صورت حجت بوده یا فقط نزد ناقل کاشف باشد که حجت نیست.

۶۹- استدلال به سنت بر حجیت خبر واحد بنابر نظر مظفر بر چه اساسی صحیح می شود؟

(۱) تواتر معنوی (۲) تواتر لفظی (۳) تواتر اجمالی (۴) تواتر تفصیلی

۷۰- کدام گزینه در تعریف «مقدمات مفوته» درست است؟

(۱) مقدماتی که با آمدن آن ها، ذی المقدمه فوت می شود.

(۲) مقدماتی که باید فوت شود تا ذی المقدمه وجود پیدا کند.

(۳) مقدماتی که اگر فوت شود مانعی برای ذی المقدمه ایجاد نمی کند.

(۴) مقدماتی که ترک آن قبل از زمان واجب باعث فوت واجب در وقتش می شود.

۷۱- در مبحث مفهوم شرط، دلالت جمله شرطیه بر کدام مورد درست است؟

(۱) بر ترتب جزا بر شرط، به اطلاق (۲) بر شرطیت انحصاری، به اطلاق

(۳) بر شرطیت استقلال ناشی از انصراف (۴) بر علقه لزومیه ناشی از وضع ادوات شرط

۷۲- کدام گزینه در خصوص تخصیص عام به مفهوم مخالف درست است؟

(۱) ظهور عام از ظهور مفهوم مخالف اقواست، تخصیص صورت نمی گیرد.

(۲) ظهور مفهوم مخالف از ظهور عام اقواست، تخصیص صورت می گیرد.

(۳) خاص مفهومی قرینه عرفی برای کشف مراد از عام است، تخصیص صورت می گیرد.

(۴) هیچ یک از آن دو به صورتی بر دیگری مقدم نیست، کلام مجمل است و تخصیص صورت نمی گیرد.

۷۳- آیه نفر، بنابر نظر مظفر بر کدام گزینه دلالت می کند؟

(۱) وجوب قبول خبر واحد و قبول فتوای مجتهد بر عامی در صورت اطمینان

(۲) وجوب قبول خبر واحد و قبول فتوای مجتهد بر عامی

(۳) وجوب قبول خبر واحد در صورت افاده علم

(۴) تنها بر وجوب قبول خبر واحد مطلقاً

۷۴- حدیث «من کان علی یقین فحک، فلیقض علی یقینه؛ فان الشک لا ینقض الیقین» از نگاه شیخ انصاری چه دلالتی دارد؟

(۱) مجمل است و بر هیچ یک دلالتی ندارد.

(۲) دلالت آن بر حجیت استصحاب نزدیک تر است.

(۳) دلیل بر حجیت استصحاب و قاعده یقین است.

(۴) دلالت آن بر حجیت قاعده یقین و شک ساری نزدیک تر است.

۷۵- در تعارض دو جمله «فعل کذا» و «لا یجب کذا» کدام گزینه درست است؟

(۱) هر دو، تعارض و تساقط می کنند.

(۲) اولی مقدم است، چون امر ظهور در وجوب دارد.

(۳) دومی نص و مقدم است و اولی حمل بر استحباب می شود.

(۴) هر دو تعارض می کنند و تخییر برای مکلف حاصل می شود.

۷۶- در مبحث مفهوم شرط، قضیه شرطیه محققة الموضوع چه نوع قضیه ای است؟

(۱) مقدم خود موضوع حکم بوده و امکان بقاء تالی بدون آن منتفی می باشد.

(۲) قضیه ای که حکم معلق بر موضوع بوده و از نوع قضیه شرطیه سالبه الموضوع است.

(۳) تالی بر موضوعی که در مقدم ذکر شده معلق بوده و امکان بقاء تالی در هر صورت وجود دارد.

(۴) قضیه ای که تحقق موضوع در آن مورد شرط قرار گرفته و از نوع قضیه شرطیه سالبه المحمول است.

۷۷- در مورد تبعیت دلالت از اراده نظر صحیح چیست؟

(۱) الدلالة منحصرة فی التصدیقية منها و هی تابعة للارادة

(۲) الدلالة اعم من التصوریة و التصدیقية و الاولى تابعة لعلم السامع بالوضع و الثانية تابعة للارادة

(۳) الدلالة اعم من التصوریة و التصدیقية و الحق ان القول بالتبعیة فی الاخرة دائما و فی الاولى احيانا

(۴) ان الدلالة غیر تابعة للارادة کما ان طريقة الباب دالة على وجود الشخص فی حالته وجود الارادة و عدمها

۷۸- شرط معتبر در مشتق مورد نظر اصولیان کدام است؟

(۱) ان يكون جارياً على الذات مع زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۲) ان يكون جارياً على الذات مع عدم زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۳) ان يكون جارياً على الذات فی حال عدم امکان زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۴) ان يكون جارياً على الذات من دون الفرق من جهة زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

۷۹- بنابر نظر مظفر مقصود از یقین در عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک ابدأ» در صحیحه زرارة مطلق یقین است یا

خصوص یقین به وضو، به چه دلیل؟

(۱) مطلق یقین به جهت الف و لام جنس (۲) مطلق یقین به خاطر مناسبت حکم و موضوع

(۳) خصوص یقین به وضو به دلیل وجود الف و لام عهد (۴) خصوص یقین به وضو به خاطر خصوصیت مورد

۸۰- مقتضای اصل لفظی و عملی در دو مسئله تداخل اسباب و مسببات به ترتیب کدام است؟

(۱) مقتضای اصل لفظی در اولی عدم تداخل و در دومی تداخل و مقتضای اصل عملی در هر دو تداخل

(۲) مقتضای اصل لفظی در هر دو عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی عدم تداخل و در دومی تداخل

(۳) مقتضای اصل لفظی در هر دو عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل

(۴) مقتضای اصل لفظی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل

۸۱- گزینه صحیح نزد مظفر در مورد اصول لفظیه مانند اصالة الحقيقة کدام است؟

(۱) بازگشت همه اصول لفظیه به اصالة الظهور است و بازگشت اصالة الظهور به اصالة عدم قرینه.

(۲) نزد عقلا یک اصل بیش نیست که همان اصالة الظهور است و سایر اصول به آن رجوع می کند.

(۳) همه اصول لفظیه مستقل اند و هیچ اصلی به اصل دیگر رجوع نمی کند.

(۴) بازگشت همه اصول لفظیه به اصل عدم القرینه می باشد.

- ۸۲- نظر مظفر در مورد قید مندوچه در اجتماع امر و نهی کدام است؟
- (۱) لازم نیست، چون تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی شود.
 - (۲) لازم است، چون بدون قید مندوچه اجتماع امر و نهی در واحد تحقق نمی یابد.
 - (۳) لازم نیست، چون نزاع جهتی است و تعدد عنوان در تعدد معنون کفایت می کند.
 - (۴) لازم است، به دلیل اشتراک نظر طرفین نزاع بر عدم جواز اجتماع امر و نهی در صورت نبود مندوچه
- ۸۳- در کدام یک از صورت ها، هر دو احتمال حمل بر نسخ و حمل بر تخصیص موجود است، نظر مظفر در این باب چیست؟
- (۱) ورود عام بعد از وقت عمل به خاص، حمل بر نسخ
 - (۲) مجهول بودن تاریخ ورود عام و خاص، حمل بر نسخ
 - (۳) ورود خاص بعد از وقت عمل به عام، حمل بر تخصیص
 - (۴) ورود خاص قبل از وقت عمل به عام، حمل بر تخصیص
- ۸۴- کدام گزینه برای «شهرت فتوایی» تعریف مناسبی است؟
- (۱) فتوای شایعی که فاقد هرگونه مستند روایی است.
 - (۲) فتوای شایعی که دارای مستند روایی ناشناخته است.
 - (۳) فتوای شایعی که مستند آن خبر خاص شناخته شده ای است.
 - (۴) فتوای شایعی که یا فاقد مستند روایی است و یا مستند روایی ناشناخته دارد.
- ۸۵- طبق دیدگاه مظفر کدام مورد در خصوص رابطه بنای عقلا و آیات ناهی از ظن در مبحث حجیت خبر واحد درست است؟
- (۱) آیات نهی از اتباع ظن نسبت به سیره عقلا رادعیت دارد.
 - (۲) خبر واحد از عموم آیات ناهی از ظن تخصیصاً خارج است.
 - (۳) عمل به خبر ثقه در طریقه عقلا عمل به ماورای علم نیست.
 - (۴) عموم آیات ناهی از ظن، همه اشکال خبر واحد را دربرمی گیرد.
- ۸۶- طبق دیدگاه مظفر، مستفاد از حدیث «سألت عن رجل اختلف علیه رجلان من اهل دینه فی امر، کلاهما یرویه، احدهما یأمر بأخذہ و الاخر ینہاہ عنه، کیف یصنع؟ فقال: یرجئه حتی یلقی من یخبره، فهو فی سعة حتی یلقاه» چیست؟
- (۱) توقف در مقام فتوا و تخییر در عمل
 - (۲) تخییر در مقام فتوا و توقف در عمل
 - (۳) توقف در مقام فتوا و عمل
 - (۴) تخییر بین دو خبر متعارض
- ۸۷- دور مطرح در مورد «تبادر» چگونه قابل پاسخ است؟
- (۱) علمی که تبادر بر آن توقف دارد ارتکازی و علمی که متوقف بر تبادر است، اجمالی می باشد.
 - (۲) علمی که تبادر بر آن توقف دارد اجمالی و علمی که متوقف بر تبادر است، تفصیلی می باشد.
 - (۳) علم متوقف بر تبادر علم اجمالی است و علمی که تبادر بر آن توقف دارد، تفصیلی است.
 - (۴) علم متوقف بر تبادر علم ارتکازی بوده و علمی که تبادر بر آن توقف دارد، تفصیلی است.
- ۸۸- آیه شریفه «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاها» در چه صورتی بر اصل برائت دلالت دارد؟
- (۱) مقصود از ایتاء، اقدار و مقصود از ما، مال باشد.
 - (۲) مقصود از ایتاء، اعطاء و مقصود از ما، مال باشد.
 - (۳) مقصود از ایتاء، اقدار و مقصود از ما، حکم شرعی باشد.
 - (۴) مقصود از ایتاء، اعطاء و مقصود از ما، حکم شرعی باشد.
- ۸۹- بنابر نظر شیخ انصاری، آیات مربوط به اصل برائت، نسبت به قول وجوب احتیاط در شبهه تحریمیه چگونه است؟
- (۱) بر آن وارد است.
 - (۲) آن را باطل می کند.
 - (۳) آن را باطل نمی کند.
 - (۴) بر آن حکومت دارد.

۹۰- مقصود از «آثار» و «رفع» بنابر نظر شیخ انصاری در حدیث رفع، به ترتیب چیست؟

- (۱) آثار شرعیه، خصوص رفع آثار
- (۲) آثار شرعیه، اعم از رفع و دفع آثار
- (۳) آثار شرعیه و عادیّه، خصوص رفع آثار
- (۴) آثار اعم از شرعیه و عادیّه و عقلیه، اعم از رفع و دفع آثار